«فرهیختگان» به بهانه اقدام خوب تقدیر از مسعود جعفری‌جوزانی در جشنواره عمار بررسی می‌کند
چرا دیگر خبری از آثار تاریخ‌ساز و باکیفیتی چون «در چشم باد» نیست؟

چشم‌انتظار در چشم بادها

عکس: عبدرضا نظرزاده

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

در سینمای ایران همه او را عمو مسعود صدا می‌کنند. هم فیلمساز معتبری برای اهالی سینمای روشنفکری است و هم مخاطبان عام با آثارش ارتباط برقرار می‌کند. هم فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو و دارای مدرک تدریس مادام‌العمر در دانشگاه‌های آمریکاست و هم کودکی بوده که از دل روستاهای لرستان آمده و اولین تجربه برخوردش با سینما توسط آپارات‌چی‌های دوره گردی به وجود آمد که با نمایش تصاویر متحرک روی پارچه‌ای سفید، او را شگفت‌زده کردند. از رفاقت با محمدجواد لاریجانی در آمریکا گرفته تا هشتمینی با مرتضی آوینی در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ و از سینمای انیمیشن تا مستندسازی، مسعود جعفری‌جوزانی عصاره‌ای از فضایل سینمای ایران است. کلی پروژه ناتمام دارد و هزاروبک‌جور چشم‌انتظاری برای تمام علاقه‌مندان سینمای ایران ایجاد کرده است؛ برای تمام آنها که می‌دانند چنین ایده‌هایی را اگر عمو مسعود جلوی دوربین ببرد، چیز باشکوهی از آب درخواهد آمد. پوریای ولی، کوروش کبیر، یعقوب لیث‌صفاری و نام‌های بزرگ دیگری که وقتی درکنار نام تصویرگری چون مسعود جعفری‌جوزانی قرار می‌گیرند، تصور زیبا و باشکوهی از خروجی کار پدید می‌آورند؛ اما چنانکه پیداست، شرایط تولید در سینما و تلویزیون ایران چندان برای انجام کارهای بزرگی از این دست هموار نیست. مسعود جعفری‌جوزانی مبالغه سبکی در کار بصری‌اش دارد که منحصربه‌فرد است. استاد میزانسن است. دیدن آثار او می‌تواند دستمایه‌ای آموزشی برای نوع استفاده از لنز فیلتر باشد. قاب‌هایش کارت‌پستالی هستند اما غیرکاربردی و صرفا تزئینی نیستند. حرکت‌های دوربینش و جای دوربینش منطق دارد و گاه بسیار مبتکرانه است. او استاد فن است؛ اما این تنها مهارت قابل توجه جوزانی در تکنیک نیست که قابل توجهش می‌کند، او یک قصه‌گوی حماسه‌سراست. به‌شدت بومی و خودمانی است و لحن بدربزرگ‌های دنیادیده ایرانی را به‌بهترین شکل در روایت‌هایش می‌ریزد. از همان‌هایی که وقتی به نقل خاطرات می‌نشینند، غرق می‌شوید. اساسا ایران سرزمین پرماجرایی است و هرکس که در آن یک‌روز یا به سن گذاشت همواره نیست. مسعود جعفری‌جوزانی مبالغه سبکی در کار بصری‌اش دارد که منحصربه‌فرد است. استاد میزانسن است. دیدن آثار او می‌تواند دستمایه‌ای آموزشی برای نوع استفاده از لنز فیلتر باشد. قاب‌هایش کارت‌پستالی هستند اما غیرکاربردی و صرفا تزئینی نیستند. حرکت‌های دوربینش و جای دوربینش منطق دارد و گاه بسیار مبتکرانه است. او استاد فن است؛ اما این تنها مهارت قابل توجه جوزانی در تکنیک نیست که قابل توجهش می‌کند، او یک قصه‌گوی حماسه‌سراست. به‌شدت بومی و خودمانی است و لحن بدربزرگ‌های دنیادیده ایرانی را به‌بهترین شکل در روایت‌هایش می‌ریزد. از همان‌هایی که وقتی به نقل خاطرات می‌نشینند، غرق می‌شوید. اساسا ایران سرزمین پرماجرایی است و هرکس که در آن یک‌روز یا به سن گذاشت همواره داشت. یکی تاریخ‌دان صدر اسلام بود و دیگری تاریخ معاصر و ویژگی‌های سیاسی و مختصات اقوام را خوب می‌شناخت. تمام این افراد از لحاظ تکنیکی هم کاربلد و ویژه بودند. این روندی است که طی سال‌های اخیر تا حدود زیادی متوقف شده، گرچه نیاز به آن از مست جامعه مرتفع نشده است. کارهای زوددوازده که پس از مدتی احتمالا همان بازدهی را هم از دست خواهند داد، جایگزین پروژه‌های بزرگ و قوی شده‌اند. از برنامه‌سازی تلویزیونی گرفته تا فیلم‌ها و سریال‌های کلیشه‌ای که براساس فیلمنامه‌هایی سرپایی و سرسری نوشته شده‌اند. وقتی «در چشم باد» از تلویزیون پخش شد، تبلیغ خاصی روی آن نشده که به آنها تسلط کافی داشتند. یکی جامعه‌شناس لایه‌ها و طبقاتی خاص از جامعه بود و دیگری نگاهی فیلسوفانه به جنگ داشت. یکی تاریخ‌دان صدر اسلام بود و دیگری تاریخ معاصر و ویژگی‌های سیاسی و مختصات اقوام را خوب می‌شناخت. تمام این افراد از لحاظ تکنیکی هم کاربلد و ویژه بودند. این روندی است که طی سال‌های اخیر تا حدود زیادی متوقف شده، گرچه نیاز به آن از مست جامعه مرتفع نشده است. کارهای زوددوازده که پس از مدتی احتمالا همان بازدهی را هم از دست خواهند داد، جایگزین پروژه‌های بزرگ و قوی شده‌اند. از برنامه‌سازی تلویزیونی گرفته تا فیلم‌ها و سریال‌های کلیشه‌ای که براساس فیلمنامه‌هایی سرپایی و سرسری نوشته شده‌اند. وقتی «در چشم باد» از تلویزیون پخش شد، تبلیغ خاصی روی آن نشده

نگاهی به سریال‌های تاریخی تلویزیون از دهه ۶۰ تا ۹۰

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

سریال‌های تاریخی همیشه طرفداران خودشان را دارند؛ البته اگر ساختار درست و خوبی داشته باشند. در این گزارش با نگاه به سریال‌هایی که در چهار دهه پس از انقلاب در تلویزیون ایران ساخته‌شده‌اند، روند تولید این مجموعه‌ها، کیفیت‌شان و همچنین کمیت آنها را مورد بررسی مقایسه‌ای قرار داده‌ایم. در این بررسی، اساس تقسیم‌بندی دهه‌های مختلف‌اساس، بانگاهی به این لیست تفکیک‌شده از دهه‌های مختلف، دقیقا می‌توانیم این نکته را متوجه شویم که تلویزیون به‌جای پیشرفت در سریال‌سازی تاریخی به سرفت کرده است و به‌جای اینکه کیفیت سریال‌ها بالا برود و سریال‌هایی مثل در چشم باد و کیف انگلیسی ساخته شوند، کیفیت‌شان افت پیدا کرده و مخاطبی هم ندارند. مدیران تلویزیون از علاقه‌مندی مخاطبان نسبت به سریال‌های تاریخی بی‌خبر نیستند و طی ۱۰ سال گذشته تلاش‌هایی برای احیای این ژانر در تلویزیون کردند؛ تلاش‌هایی که بیشتر ناکام ماند و از سمت مخاطبان تلویزیون با اقبال زیادی همراه نبود و باید دید در دوره جدید چقدر این موضوع جدی گرفته می‌شود.

دهه ۶۰

سریال: سربداران
سال ساخت: ۱۳۶۲
کارگردان: محمدعلی نجفی

سریال «سربداران» یکی از بهترین سریال‌های نوستالژیک دهه ۶۰ محسوب می‌شود که اثری تاریخی بوده و روایتگر قیام سربداران خراسان به‌رهبری شیخ‌حسن جوری علیه استیلای مغول بر ایران است. این سریال برای اولین‌بار در سال ۱۳۶۲ از شبکه یک سیما به نمایش درآمد و توجه ناظمان زیادی را به خود جلب کرد. سربداران در آن زمان جوانی‌اش را نیز به‌دنبال داشت که برخی نسبت‌به بازی سوسن تسلیمی در نقش همسر شیخ‌حسن انتقاد داشتند و این انتقادات منجر به سانسور چندین سکانس از بازی او در این سریال شد.

سریال: افسانه سلطان و شبان
سال ساخت: ۱۳۶۳
کارگردان: داریوش فرهنگ

فیلمنامه سریال «افسانه سلطان و شبان» را مهدی هاشمی و داریوش فرهنگ به اتفاق یکدیگر و در قالب افسانه‌ای کهن نوشته‌اند. داریوش فرهنگ مهرماه سال ۱۳۸۹ بود که در گفت‌وگویی با مهر درباره راز ماندگاری سریال افسانه سلطان و شبان گفته بود: «نوآوری، جلوتر از زمانه بودن، سرزندگی و سادگی. یادتان باشد آن روزها فقط دو شبکه داشتیم؛ با چند سریال محدود و معدود. از همان روز اول افق دیدمان دورتر و دورتر بود. نمی‌خواستیم باری به هرجهت کار کنیم، تقلیدی و تکراری کار کنیم، سفارشی و به رسم رایج کار کنیم. خب سریال «سلطان و شبان» در زمان خود نوآوری کرده بود که می‌توانست جریان‌سازی هم بکند. [...] یادتان باشد هر کار تازه‌ای که می‌تواند یک قدم به جریان‌سازی کمک بدهد، با خودش خساراتی هم می‌آورد. تجربه اول است؛ و خودش در پی کشف ناشناخته‌هاست و نمی‌تواند کامل باشد؛ چنانچه کارها هم از ضعف برخوردار بود.»

سریال: بوعلی سینا
سال ساخت: ۱۳۶۴
کارگردان: کیهان رهگذار

سریال «بوعلی سینا» شاید به خوش‌ساختی سریال‌های قبل خودش نبود، اما بازهم توانست مخاطب تلویزیون آن زمان را با خودش همراه کند. امین تارخ، بازیگر این سریال درمورد نقشش می‌گوید: «قبلا در سریال سربداران با هم همکاری داشتیم و من نقش شیخ‌حسن جوری را بازی می‌کردم. دوران شیرین کاری و حرفه‌ای داشتیم و مفتخرم این نقش را که یک شخصیت ملی، حکیم، معلم، طبیب و شخصیت استثنایی و نابغه است، من بازی کردم؛ زیرا این افتخار نصیب هر بازیگری نمی‌شود. چیزی که برای من مهم و برای کیهان رهگذار حیاتی بود این بود که اگر قرار باشد سراغ شخصیت‌های علمی و فرهنگی و شخصیتی که اهل حکمت و علم سیاست است بروم، شاید سریال پرسینده نباشد، بنابراین ترکیبی از اینها به اضافه زندگی شبان؛ را مهدی هاشمی و داریوش فرهنگ به اتفاق یکدیگر و در قالب افسانه‌ای کهن نوشته‌اند. داریوش فرهنگ مهرماه سال ۱۳۸۹ بود که در گفت‌وگویی با مهر درباره راز ماندگاری سریال افسانه سلطان و شبان گفته بود: «نوآوری، جلوتر از زمانه بودن، سرزندگی و سادگی. یادتان باشد آن روزها فقط دو شبکه داشتیم؛ با چند سریال محدود و معدود. از همان روز اول افق دیدمان دورتر و دورتر بود. نمی‌خواستیم باری به هرجهت کار کنیم، تقلیدی و تکراری کار کنیم، سفارشی و به رسم رایج کار کنیم. خب سریال «سلطان و شبان» در زمان خود نوآوری کرده بود که می‌توانست جریان‌سازی هم بکند. [...] یادتان باشد هر کار تازه‌ای که می‌تواند یک قدم به جریان‌سازی کمک بدهد، با خودش خساراتی هم می‌آورد. تجربه اول است؛ و خودش در پی کشف ناشناخته‌هاست و نمی‌تواند کامل باشد؛ چنانچه کارها هم از ضعف برخوردار بود.»

سریال: کوچک جنگلی
سال ساخت: ۱۳۶۶
کارگردان: بهروز افخمی

افخمی، مدیرگروه فیلم و سریال بود، اما تصمیم می‌گیرد «کوچک جنگلی» را خودش بسازد و درمورد آن می‌گوید: «زمانی که من مدیر فیلم و سریال شدم، فیلمنامه به تشکیلات فیلم و سریال شخصی که چرا این سینا ازدواج نکرد می‌تواند مخاطب را جذب کند، بنابراین شخصیتی خلق شد که قرار بود عشقی میان این دو باشد که این سینا نپذیرفت و هرگز نپذیرفت ازدواج کند. نمونه‌ای از این اتفاقات و رابطه با پدر و مادرش و شخصیت‌های دیگر قصه‌ای را به تصویر کشید که برای تماشاگر می‌توانست زیبا باشد. درنهایت سریال ساخته و پرینده شد و از دل این سریال یک فیلم سینمایی نیز استخراج و یکی از فیلم‌های سینمایی پرفروش شد.»

سریال: امیرکبیر
سال ساخت: ۱۳۶۴
کارگردان: سعید نیکپور

سریال تلویزیونی «امیرکبیر» در سال ۱۳۶۴ به نویسندگی پرویز زاهدی و کارگردانی سعید نیکپور تولید و در قالب ۱۲ قسمت از آنتن شبکه یک سیما روی آنتن رفت. مجموعه‌ای از بستر یک دوره تاریخی بسیار مهم سرزمین ایران که به نام صدراعظم مقتول ناصرالدین شاه قاجار به نام امیرکبیر و توطئه‌های دشمنانش ثبت شده و دربرگیرنده اتفاقات درماتیکی بود که بازی درخشان بازیگرانش و کنش‌های درماتیک متن و کارگردانی سنجیده‌اش در بستر ساخت یک مجموعه دهه‌شصتی صداوسیمای آن دوران فضای پرمخاطبی را فراهم کرده بود.

سریال: کیف انگلیسی
سال ساخت: ۱۳۷۸
کارگردان: مرحوم ضیاءالدین دری

«کیف انگلیسی» خوش‌ساخت بود، اما برای کارگردانش حاشیه‌های زیادی پیش آورد؛ هجمه‌های وسیعی علیه این کارگردان دانشمند سینما و تلویزیون آغاز شد. او در آخرین گفت‌وگویش به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «من پیش مدیر وقت شبکه یک سیما، محمدرضا جعفری جلوه رفتم و او از خداحافظی کردم. کیف انگلیسی فراتر از مجلس رفت و کار به سفارت بریتانیا کشیده شد. مدیران صداوسیما به من گفتند قسمت دهم که پخش می‌شود، در سطح عالی از طرف سفارت بریتانیا با شوراي سرپرستی صداوسیما تماس گرفته و آنها می‌گویند ما دوست نداریم خاکستر اختلافات گذشته کنار زده شود. ما می‌خواهیم سرنوشت این سریال را بدانیم. بعد لاریجانی اینها را می‌خواهد و می‌گوید به شورای سرپرستی توضیح بدهید که قضیه چه هست و اینها توضیح می‌دهند که چهار هفته دیگر تمام می‌شود. یعنی نگران نباشید، آنها هم پیگیری نمی‌کنند.»

سریال: روزی روزگاری
سال ساخت: ۱۳۷۰
کارگردان: امراله احمدجو

«روزی روزگاری» هنوز هم تکرارشدنی نیست؛ سریالی که آنقدر متن و فرم و اجرای خوبی داشت که همچنان در یاد و خاطر مخاطب تلویزیون مانده است. محمود پاک‌نیت که در این سریال بازی کرده است، درمورد آن می‌گوید: «در رابطه با سریال روزی روزگاری و ماندگاری آن نکته‌ای را همه‌جا گفته‌ام و آن هم این است که به‌نظر من عواملی که کار می‌کردند از نویسنده و کارگردان که امراله احمدجو بود تا فرهاد فخرالدینی که موسیقی این کار را ساخت، تهیه‌کننده این اثر و همه عواملی که در آن بازی می‌کردند به این متن عشق می‌ورزیدند. یعنی متنی بود که برای همه ما جذابیت خاصی داشت و هر لحظه‌ای از آن را که بازی می‌کردیم خودمان هم لذت می‌بردیم. زمانی می‌شود این لذت را با تماشاگران تقسیم کرد که در وهله اول خود دست‌اندرکاران لذت ببرند؛ در غیر این صورت اگر سرسری کار می‌شد و به‌عنوان یک کاری که وظیفه است باید به پایان و پخش برسد به آن نگاه می‌شد، هیچ‌وقت این بازدهی را نمی‌داشت.»

سریال: پهلوانان نمی‌میرند
سال ساخت: ۱۳۷۶
کارگردان: حسن فتحی

زمانی که «پهلوانان نمی‌میرند» از سال گذشته تلاش‌هایی برای احیای این ژانر در تلویزیون کردند؛ تلاش‌هایی که بیشتر ناکام ماند و از سمت مخاطبان تلویزیون با اقبال زیادی همراه نبود و باید دید در دوره جدید چقدر این موضوع جدی گرفته می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

دهه ۸۰

شب دهم
سال ساخت: ۱۳۸۰
کارگردان: حسن فتحی

سریال «شب دهم» را باید به نوعی فتح‌باب ساخت سریال‌های محرمی دانست که تاثیرگذاری زیادی بر مخاطبان داشت و ثابت کرد می‌توان با هنر نمایش به فلسفه عاشورا و گمنامان مذهبی به بهترین شکل پرداخت و تاثیرگذار بود. حسن فتحی درباره اینکه چگونه «شب دهم» به سریالی مناسبتی تبدیل شد، می‌گوید: «پخش سریال شب دهم در ایام محرم پیشنهاد مدیر وقت شبکه اول بود. ایشان معتقد بودند این سریال در ایامی که عید نوروز و محرم با هم تقارن دارند، مخاطب بسیاری را جذب خود می‌کند و همین اتفاق هم افتاد. شب دهم به‌عنوان سریالی مناسبتی به‌خوبی جواب داد.»

سریال روزگار قریب
سال ساخت: ۱۳۸۶
کارگردان: کیانوش عیاری

«روزگار قریب» از آن دست سریال‌های دوست داشتنی بود که توانست مخاطبان زیادی داشته باشد. عیاری درباره پذیرفتن ساخت روزگار قریب که به پیشنهاد مدیران سیمافیلم بوده است، در گفت‌وگویی می‌گوید: «یکی از مدیران سیمافیلم در همان سال‌ها که کار تازه‌یکی «دوماه» بود، شروع شده بود، به من گفت دوست است که شما کارگردان سینما هستید و در سینما هم موفق بوده‌اید، اما کمی هم به این کار دل بدهید. من هم در پاسخ گفتم چطور؟! هر کسی چیزی گفته غلط کرده گفته. آنجمان که یکی از ایدآلچی‌هایی که به من جای می‌داد، چندباری به من گفت این یک کار تلویزیونی است، چرا آنقدر روی آن دقت به خرج می‌دهی، عصبی می‌شوی و زحمت می‌کشی؟! به آن مدیر گفتم وقتی چنین شخصی این را به من می‌گوید، شما چگونه حرف کسی که از سر صحنه خبرهای منفی برای شما می‌آورد و مصدرحد حسادت می‌ورزد که من برای تلویزیون این چنین با دقت کار انجام می‌دهم را می‌پذیرید. ایشان موضوع را برعکس به شما رسانده است. واقعا هم به همین شکل بود. من در دو-سه روز اول آغاز کار به این نتیجه رسیدم که این کار را باید تا انتها و با تمام قوا پیش ببرم و هرچه تجربه دارم استفاده کنم و به قولی اگر کار گزارشی هم بسازم باید کاری باشد که به‌شدت به آن علاقه دارم و محصول من است، پس باید به آن برسم و آن را بسازم.»

سریال: مدار صفر درجه
سال ساخت: ۱۳۸۶
کارگردان: حسن فتحی

سریال «مدار صفر درجه» از آن دست سریال‌هایی است که همچنان هم مخاطبان خاص خودش را دارد و حسن فتحی با آن زبان هنر و موسیقی و شعری که در ساخت این سریال به کار برده است، توانسته مخاطب را با خود همراه کند و پس از سال‌ها که از پخش آن می‌گذرد همچنان یکی از سریال‌های محبوب تلویزیون باشد. اما ساخت این سریال هم سختی‌های خودش را داشت و حسن فتحی بعد از اینکه کار پخش شد در فواصل مختلف و گفت‌وگوهای فراوان به این مسائل اشاره کرده است.

سریال: نردبام آسمان
سال ساخت: ۱۳۸۸
کارگردان: محمدحسین لطیفی

«نردبام آسمان» با پرداختن به زندگی یکی از دانشمندان ایرانی توانست مخاطبان زیادی را جذب کند. حامد عنقا، نویسنده این سریال در مورد آن می‌گوید: «چند نکته مهم در مورد این فیلم برایم مدنظر بود. ابتدا کسانی که ما مرور فراموش کرده‌ایم که چه تاریخ و فرهنگ بزرگی داشته‌ایم. نویسنده مجموعه «نردبام آسمان» می‌گوید: «آن زمانی که علم معنای واقعی خود را از دست داده بود و ما در سرزمینی که تحت اشغال مغول‌ها بود زندگی می‌کردیم، افراد بزرگی چون خواجه نصیرالدین پرورش یافتند. یک سال بعد تیمور لنگ حمله کرد، با این حال ایران رفته‌رفته به جایی رسید که مرکز تولید علم در جهان شد. یعنی کشور ما در قرن هشتم و نهم در دنیا تولید علم کرد اما از آن غافل مانده‌ایم.

سریال: تبریز در مه
سال ساخت: ۱۳۸۹
کارگردان: محمدرضا ورزی

محمدرضا ورزی سریال‌های تاریخی زیادی ساخته است، اما نمی‌توان او را کارگردان موفقی در این زمینه دانست که البته در ادامه در مورد کارهای او صحبت خواهیم کرد. ورزی در مورد ساخت مجموعه تلویزیونی «تبریز در مه» و انتقادهایی که به زبان و لحن این سریال وجود داشته است، می‌گوید: «من سعی کردم دست به یک نوع ساختارشکنی در روایت و ریتم کار تاریخی بزنم. متاسفانه ما در کارهای تاریخی بیش از حد بر دیالوگ گویی تاکید می‌کنیم و از کلمات و الگوی زبانی ثقیلی استفاده می‌کنیم که مخاطب را خسته می‌کند. من سعی کردم تا از زبان صمیمی‌تر و ماجراوار استفاده کنیم که هم روند و ریتم کار را کند می‌کند و هم درک یک سریال تاریخی را برای بسیاری از مخاطبان این سریال‌ها دشوار می‌سازد. من به‌شدت به ریتم مناسب کار اهمیت می‌دهم و بی‌رحمانه پای تدوین سریال‌های خودم حضور دارم. حتی سکانس و دیالوگ‌هایی را درآوردم که برخی از بازیگرانم از دست من ناراحت شدند ولی برای من رسیدن به ریتم مناسب به‌نتواند مخاطب را جذب یک سریال تاریخی کند از اولویت بیشتری برخوردار است.»

دهه ۹۰

سریال: سرزمین کهن
سال ساخت: ۱۳۹۰
کارگردان: کمال تبریزی

مطمئنا اگر پخش سریال «سرزمین کهن» ادامه پیدا می‌کرد یکی از سریال‌های پرمخاطب و جذاب تلویزیون می‌شد. کمال تبریزی از خستگی ناشی از ساخت این سریال خبر داد و گفت: «حقیقتا علت اینکه آدم احساس خستگی می‌کند به رفتار و برخوردی برمی‌گردد که تلویزیون با ما داشته است؛ وگرنه زمانی که آدم کار می‌کند انرژی می‌گیرد، به‌ویژه نوع کاری که ما می‌کنیم خستگی نایذیر است. حداقل نوع کار ما به‌گونه‌ای است که می‌توانیم شرایطی شکل عمل کنیم و با کمترین نقطه ضعف سریال را بسازیم. اگر زمانی که در حین کار هستیم، تصور می‌کنیم بهترین موفقیت و لحظه را خلق می‌کنیم اما ممکن است بعدا متوجه شویم که ضعفی هم در کار بوده، در چنین شرایطی، بیشتر از همه خودمان اذیت می‌شویم و احساس می‌کنیم که ای کاش شرایط بهتری را رقم می‌زدیم. اگر شما از بزرگ‌ترین فیلمسازان جهان نیز این سوال را بکنید که اگر فیلم‌تان را یک بار دیگر بسازید چه اتفاقی می‌افتد؟ قطعا خواهید شنید که اتفاق بهتری می‌افتد. اگر برای خلق هر اثری فرصت بیشتر یا تکرار با شرایط بهتر داشته باشید، طبیعتا می‌توانید بهتر عمل کنید. اگر به یک نقاش بوم نقاشی و قلم و مداد را بدهید تا یک نقاشی ترسیم کند، کشیدن یک نقاشی خوب، به زمان و انواع رنگ‌ها و قلم‌هایی که در اختیارش قرار می‌دهید، بستگی دارد اما نگاه آن نقاش شاید خیلی تغییر نکند.»

سریال: کلاه پهلوی
سال ساخت: ۱۳۹۲
کارگردان: ضیاءالدین دری

ضیاءالدین دری شاید فکر می‌کرد «کلاه پهلوی» همان خاطره کیف انگلیسی را برایش به ارمغان بیاورد اما این اتفاق نیفتاد و فیلم نتوانست آنقدر خوش‌زاد در دل مردم جا کند و حاشیه‌ها برایش زیاد شد. شاید یک دلیل آن را باید در این بدانیم که تلویزیون دهه ۹۰ برخلاف دهه‌های دیگر، خیلی نتوانست در فیلم‌های تاریخی موفق باشد و آن موفقیت‌های دهه‌های گذشته را تکرار کند.

سریال معمای شاه
سال ساخت: ۱۳۹۴
کارگردان: محمدرضا ورزی

سریال «معمای شاه» به کارگردانی محمدرضا ورزی ساخته شد. این سریال داستان به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی و محمدرضاشاه را در ایران و از زمان بازگشت محمدرضا شاه پهلوی از مصر، پس از ازدواج با فوزیه تا انقلاب ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی به تصویر می‌کشد. در این مجموعه ۱۲۰ بازیگر اصلی و ۸۵۳ بازیگر فرعی حضور دارند. ۹۱۰ سکانس دارد و کل بازیگران سریال ۱۶۰۰ نفر بودند. این مجموعه ۹۵ قسمت ساخته شد و برخی منابع هزینه‌های ساخت این سریال را ۷۰۱ میلیارد تومان عنوان کرده‌اند. «معمای شاه»، نخستین بار در آبان‌ماه سال ۱۳۹۴ روزهای جمعه ساعت ۲۲ از شبکه یک پخش می‌شد. پس از شبکه یک، این سریال از شبکه سه و در روزهای پنجشنبه پخش شد. پس از گذشت چند ماه از پخش سریال و ناتوانی آن در جذب مخاطب، از کنکاتور شبکه سه خارج شد و تنها از شبکه یک پخش آن شروع شد. صداوسیما در اقدامی غیرمنتظره سریال را کلا از کنکاتور شبکه یک خارج کرد و هیچ توضیحی هم به مخاطبان ارائه نشد. پس از گذشت حدود ۱۴ ماه با پیگیری تهیه‌کننده، سریال معمای شاه مجدد در آبان‌ماه ۱۳۹۵ با دریافت از قسمت نخست روانه ساعت ۲۲ از شبکه یک پخش می‌شد و پس از گذشت چند هفته شبکه آزمایشی HD سریال را پخش کرد و بعد از مدتی این شبکه از لیست شبکه‌های صداوسیما حذف و به جای آن شبکه تماشا جایگزین شد. همه این گشتن‌ها برای پیدا کردن یک شبکه تلویزیونی نشان از این دارد که سریال نتوانست جایگاه خودش را این مرد پیدا کند.

سریال: کیمیا
سال ساخت: ۱۳۹۴
کارگردان: جواد افشار

سریال «کیمیا» را شاید نتوان خیلی در دسته‌بندی سریال‌های تاریخی قرار داد اما این سریال با موضوع پیروزی انقلاب اسلامی و بعد هر دولت هشت سال دفاع مقدس در دست سریال‌هایی قرار می‌گیرد که تاریخ معاصر را روایت کرده است. جواد افشار در مورد این سریال و ساخت آن و انتقادهایی که به او در مورد این سریال داشته‌اند، می‌گوید: «به‌هر حال هر کاری دارای نقاط ضعف و قوتی است و سریال ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. این درحالی است که ما تمام تلاش‌مان را کردیم که به بهترین شکل عمل کنیم و با کمترین نقطه ضعف سریال را بسازیم. اگر زمانی که در حین کار هستیم، تصور می‌کنیم بهترین موفقیت و لحظه را خلق می‌کنیم اما ممکن است بعدا متوجه شویم که ضعفی هم در کار بوده، در چنین شرایطی، بیشتر از همه خودمان اذیت می‌شویم و احساس می‌کنیم که ای کاش شرایط بهتری را رقم می‌زدیم. اگر شما از بزرگ‌ترین فیلمسازان جهان نیز این سوال را بکنید که اگر فیلم‌تان را یک بار دیگر بسازید چه اتفاقی می‌افتد؟ قطعا خواهید شنید که اتفاق بهتری می‌افتد. اگر برای خلق هر اثری فرصت بیشتر یا تکرار با شرایط بهتر داشته باشید، طبیعتا می‌توانید بهتر عمل کنید. اگر به یک نقاش بوم نقاشی و قلم و مداد را بدهید تا یک نقاشی ترسیم کند، کشیدن یک نقاشی خوب، به زمان و انواع رنگ‌ها و قلم‌هایی که در اختیارش قرار می‌دهید، بستگی دارد اما نگاه آن نقاش شاید خیلی تغییر نکند.»

سریال: روزهای ابدی
سال ساخت: ۱۳۹۷
کارگردان: جواد شمقدری

تیزی در یکی از رسانه‌ها در مورد سریال «روزهای ابدی» ساخته جواد شمقدری زده شد که دقیقا می‌تواند بازگوی این سریال باشد؛ «روزهای ابدی» موفق در دفع مخاطب.» این سریال ۴۴ قسمتی قرار بود که آبان سال گذشته پخش شود که به‌دلیل مسائل فنی به کندا کتور اصلا سپید. تصویربرداری روزهای ابدی از سال ۹۷ آغاز شد و به‌دلیل طولانی بودن پروسه تولید و لوکیشن‌های مختلف و متعدد، حدود یک سال به طول انجامید و البته به‌دلیل استفاده از جلوه‌های ویژه بصری و «سی‌جی‌ای» پروسه پس‌تولید تقریبا طولانی‌اش داشت. تصویربرداری این سریال در روزهای پایانی سال ۹۸ به پایان رسید. جالب است بدانید که در بهمن سال ۱۰۰۹۷ قسمت از پخش شبکه یک سیما از این سریال تحت عنوان «خط تمامی» و به‌عنوان سریال مناسبتی دهه فجر از شبکه یک سیما پخش شد که همان زمان هم زیاد دیده شد. البته از آن ۱۰ قسمت سال گذشته، در پخش سریال روزهای ابدی دوباره استفاده شده که به گفته تهیه‌کننده‌اش، آنقدر زیاد نیست که مخاطب متوجه آن بشود. ساخت این سریال از زمان مرسوش طولانی‌تر شد که دلایل مختلفی داشت.

یادداشت

جاودانگی در چشم باد در چشم مخاطب

سیدمهدی موسوی تبار
خبرنگار گروه فرهنگ

آثاری که در زمان‌ها و ذهن‌ها می‌مانند چه ویژگی‌هایی دارند؟ اصلا چرا بعضی خاطره‌ها و آدم‌ها در یادمان می‌مانند؟ فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی که در خاطرمان مانده کدام خصوصیات هنری یا تصویری را داشتند؟ وقتی بخش‌هایی یا سکانس‌هایی از آن را می‌بینیم حالمان خوش می‌شود و دلمان می‌خواهد که بقیه‌اش را هم تماشا کنیم. در «چشم باد» مسعود جعفری‌جوزانی یکی از آن آثار است. سریالی که در اواخر دهه هشتاد از شبکه یک پخش شد و استقبال خوبی از آن شد. استقبالی که در تکرارهایش بیشتر شد و بعضی‌ها دل شان می‌خواست نسخه فیزیکی آن را در خانه‌شان داشته باشند تا هر وقت دل‌شان خواست ببینندش.

سریال‌های تاریخی مختلفی در پنج دهه اخیر ساخته شده است که هر کدام برشی از تاریخ را بستر روایت داستان‌شان قرار داده‌اند و برخی‌شان موفق بوده‌اند و برخی دیگر بازنده مطلق. در چشم باد اما سه دوره از تاریخ را برای گفتن روایتش انتخاب کرد؛ سه دوره‌ای که در تاریخ کشور ما مهم بوده‌اند و البته موثر و مظلوم. روایت اتفاقات سال‌های ۱۳۰۰ یعنی دوره اول پایان دوره قاجار و دوره پهلوی، ۱۳۲۰ که دوره دوم جنگ جهانی دوم می‌شود و ۱۳۶۰ که همزمان با یک دوره زمانی خاص در بعد از انقلاب اسلامی ایران را که دوره فتح خرمشهر است، دربرمی‌گیرد و با آزادی خرمشهر پایان می‌یابد و دوره سوم می‌شود. درواقع این سریال، راوی مبارزات مردم ایران در سه مقطع تاریخی دوره میرزا کوچک‌خان، دوره منتهی به جنگ جهانی دوم و دوران معاصر (دفاع مقدس و فتح خرمشهر) است.

هر کدام از این سه دوره به‌تنهایی می‌توانست سوژه یک سریال باشد یا قسمت‌های زیاد. جعفری جوزانی اما به تعبیر خودش این سه برهه را برای بیان وصیت‌نامه تصویری خودش در ۴۴ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای انتخاب کرد و آنچه شاهدش هستیم یک اثر به‌اندازه، قابل دفاع، غرورآفرین و جذاب است. دقت بسیار بالا در نمایش جزئیات و رعایت تناسب و تعادل در پرداختن به تاریخ، وجه هنری و درماتیک و همچنین زیبایی‌های بصری از مهم‌ترین دلایل موفقیت این سریال است. سریال‌هایی با قسمت‌ها و هزینه‌های به‌مراتب بیشتر در سال‌های اخیر ساخته شدند که نتوانستند حتی یک‌سوم محبوبیت و موفقیت این سریال را به‌دست بیاورند.

کارنامه جعفری‌جوزانی نشان می‌دهد که او تاریخ کشورش و مهم‌تر از آن مفهوم وطن را به‌خوبی می‌شناسد و این خصوصیات را با تسلطش روی کارگردانی و انتخاب درست و دقیق بازیگران تلفیق می‌کند و خروجی‌های مطلوبش را این فرمول به‌دست می‌آیند. بیایید با هم مرور کنیم که در چشم باد از کجا شروع می‌شود؛ «حسن ابراتی» (به شهرت او دقت کنید) که از یاران میرزا کوچک‌خان (جنگلی (برهه تاریخی حساس و مهم)» پس از کشته شدن میرزا، به همراه خانواده‌اش به تهران کوچ می‌کند (توجه به بخش دراماتیک) و با راه‌اندازی یک چاپخانه به کار و زندگی در تهران می‌پردازد (شروع یک قصه جذاب). ابراتی سه پسر و یک دختر (خانواده به‌عنوان بستر داستان) دارد که از میان آنها، یکی را پسرانش به نام بیژن (انتخاب صحیح پارسا پیروزفر) خیانتی را به‌عنوان حرفه خود انتخاب می‌کند (کاشت داستان برای برهه‌های بعدی، فارغ از شباهت‌هایش به شخصیت واقعی) و دیگری که نادر نام دارد، به تجارت مشغول می‌شود (نمایش چالش‌ها و تضادها) و....

وقتی در سریالی که ۱۵۰ بازیگر در نقش‌های اصلی دارد پیدا کردن بازی‌های ضعیف کار سختی می‌شود یعنی یک تیم قوی در این مجموعه بازی کرده‌اند. فارغ از فیلمنامه و کارگردانی، بازیگران در چشم باد هم در این کار درخشیده‌اند و این مجموعه یکی از بهترین آثار کارنامه‌های این بازیگران است. انتخاب‌های درست و بازی‌های قوی و در چهارچوب زوجی بودند که عنصر بازیگری در این سریال را به بالاترین بازدهی خود رسانده‌اند.

۹ بیژن ایرانی یا جوزانی

ظاهرا هم‌چیز برای نمایش یک سریال جذاب و مفید برای عبرت‌های تاریخی آماده است. بیژن ایرانی محور اصلی این سریال قرار می‌گیرد. معلوم نیست اگر به‌جز پارسا پیروزفر، انتخاب